



بررسی انواع کهن‌الگو در شعر فریدون مشیری بینا رضائی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

چکیده

اسطوره، یادآور فرهنگ و تاریخ یک ملت است. احیای اسطوره‌های کهن در قالبی نو، گویی انسان معاصر را با دنیای دیگری در اعماق تاریخ آشنا می‌کند. اسطوره‌ها می‌توانند با تلفیق مفاهیم نو در شعر معاصر، پس از عبور از دل تاریخ، خود را زنده و پویا نشان دهند. کهن‌الگو که خود به نوعی برگرفته از اسطوره است گاهی توسط تخیل و ذهن شاعر در ارتباطی آشکار یا پنهان با ادبیات، هنر، روان‌شناسی و مردم‌شناسی، بروز و ظهور می‌یابد. در این جستار کهن‌الگو در شعر فریدون مشیری از شاعران برجسته‌ی معاصر به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی بررسی می‌شود. این نوع، گاه به صورت نمادها و سمبل‌های طبیعی مثل خورشید، صبح، دریا و امثال آن و گاه آرکی‌تایپ یا همان صورت مثالی که ناشی از خرد جمعی است مثل؛ عشق، مرگ، مادر، برادر کشی و امثال آن، در شعر مشیری دیده می‌شود. این پژوهش علاوه بر بررسی انواع کهن‌الگوها در اشعار فریدون مشیری، به تبیین ارتباط افکار و اندیشه‌های گذشته با حال می‌پردازد. قلمرو این پژوهش دو جلد اشعار مشیری با عنوان "بازتاب نفس صبحدمان" است.

واژگان کلیدی: اسطوره، کهن‌الگو، فریدون مشیری، اشعار.